



## سحر بختیاری / کارآفرین اینترنتی

در این صفحه به تغییرات مهم در ایران از دریچه فرهنگ استارت‌آپی نگاه می‌کنیم. این بار سحر بختیاری، بنیان‌گذار استارت‌آپ آوایار که یک راهنمای صوتی در صنعت گردشگری محسوب می‌شود از دو تأثیر مهم استارت‌آپ‌ها در فرهنگ کسب‌وکار کشور نوشته است.

## فرهنگ استارت‌آپی

فرهنگ استارت‌آپی کمک کرده تا هر روز تعداد زنان کارآفرینی که موفق به راه‌اندازی کسب‌وکار خود و ارائه خدمات مطلوب به مشتریان شده‌اند و تیم‌های بزرگ را رشد داده و مدیریت کرده‌اند، بیشتر شود. این روند به شکل یک حلقه خودتقویت‌کننده هر روز قوی‌تر می‌شود و به توسعه و تحکیم این باور که زنان توانایی انجام کارهای بزرگ را دارند کمک کرده است.



استارت‌آپ‌ها نقش مهمی در تغییر دو مفهوم کلاسیک فرهنگ کسب‌وکار داشته‌اند

# ناگهان یک جهان تازه برای زنان

اولین نکته در مواجهه با فرهنگ استارت‌آپی این است که ما با یک تغییر بزرگ روبه‌رو هستیم. واقعیت این است که در سال‌های اخیر استارت‌آپ‌ها اثرات بسیاری در زندگی ما برجای گذاشته‌اند. برخی از این آثار، نتیجه مستقیم استفاده از محصولات و خدمات این کسب‌وکارهای نوپا در زندگی مشتریان آنهاست و برخی دیگر نتیجه فرهنگ کسب‌وکاری آنها. دسته اول اثراتی ملموس‌تر هستند و بیشتر مورد توجه واقع شده‌اند، اما این آثار تنها نقطه آغاز رد پای این شرکت‌های نوین در جامعه ایران به حساب می‌آیند. آنچه ما به آن توجه نمی‌کنیم این است که چگونه استارت‌آپ‌ها در ساختار اقتصادی-اجتماعی جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، اثربخش بوده‌اند. اثری که آنها برای ارائه خدمت به مشتریان خود، بر کل فرهنگ جامعه می‌گذارند و با مشاهده نمونه‌های جهانی متوجه می‌شویم که تعداد این آثار مثبت ناچیز نبوده و نیست. اثراتی چون تغییر الگوی فرصت‌های شغلی، افزایش تعداد میلیونرهای جهان و رواج برنامه‌های متعدد در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی همگی از آثار ناملموس استارت‌آپ‌ها بر جامعه و فرهنگ حاکم بر آن است. برای نمونه بالا رفتن کیفیت و استاندارد حمل‌ونقل شهری که با استارت‌آپ‌های تاکسی آنلاین شاهد آن بوده‌ایم مثالی ملموس است که هر روز آن را تجربه می‌کنیم. من در این مقاله تنها به ذکر دو اثربخشی استارت‌آپ‌ها که در تجربه شخصی حرفه‌ای، آنها را درک کرده‌ام، می‌پردازم.

### تغییر نگاه به مفهوم اشتغال

در گذشته نه چندان دور نگرش غالب بر بیشتر افراد در انتخاب رشته تحصیلی این بود که بازار کار آن رشته چگونه است و چقدر متقاضی دارد. بعد از فراغت از تحصیل نیز بیشتر دانش‌آموختگان جویای کاری بودند که باید توسط فرد دیگری از پیش ایجاد می‌شد. این نگرش که شغل جایی بیرون از ما باید ایجاد شود و ما به آن مشغول شویم، طرز فکر رایج و مرسوم بود که در فرد این توقع را ایجاد می‌کرد که دولت‌ها یا دیگران برای اشتغال من چه فکری کرده‌اند. بدین ترتیب موفقیت یا عدم موفقیت در پیدا کردن شغل مناسب، معیار موفقیت و رضایت آن فرد از زندگی محسوب می‌شد. کما اینکه این تصور هنوز هم تا حدی وجود دارد. اما موفقیت استارت‌آپ‌ها از نظر اقتصادی و اثرگذاری اجتماعی آنها از سوی دیگر و گسترش فرهنگ استارت‌آپی که مهم‌ترین ویژگی آن امکان راه‌اندازی و شکل‌گیری این کسب‌وکارها توسط افراد در هر سن و با هر میزان تجربه مدیریتی بود، این قاعده کلی را دستخوش تغییر کرده است.

به مرور افراد بیشتری از سنین کم به فکر این افتادند که برای رفع مسائل و انجام کارها به شکل کارآمدتر چه راهکاری می‌توانند ارائه دهند؛ و حول آن راهکار اصلی، چه کسب‌وکاری را می‌توانند ایجاد کنند. خوداشتغالی، فریلنسری و مسأله‌محور شدن کسب‌وکارها نیز از دیگر اثرات جانبی همین تغییر دیدگاه به اشتغال است که توسط استارت‌آپ‌ها در فرهنگ کسب‌وکاری کشور رقم زده شد. یک موفقیت بزرگ نگرشی که حاصل فرهنگ استارت‌آپی

ترویج شده در سال‌های اخیر است. نگرشی که نه تنها استعدادهای تازه‌ای را به بازار کار تزریق کرده و موفقیت‌های شخصی متنوعی را رقم زده بلکه بزرگی به دولت‌ها در سراسر دنیا کرده تا با وجود این کارآفرینان محبور نباشند بار اشتغالزایی را به تنهایی به دوش بکشند.

### تقویت نقش کارآفرینانه زنان

نحوه انتصاب مدیران و معیارهای انتخاب آنها در بخش‌های دولتی و سنتی اقتصاد، سد بزرگی بر سر راه حضور زنان در موقعیت‌های شغلی کلیدی بوده و کماکان است. بیشتر زنان شاغل در این بخش‌های سنتی در سمت‌های غیرکلیدی استخدام می‌شوند و نگاه بسیاری از مدیران برای استفاده از ظرفیت‌های حقیقی آنها متأثر از جنسیت آنهاست. استارت‌آپ‌ها با فراهم کردن عرصه رشد، فارغ از جنسیت بنیان‌گذاران آن‌ها، امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های نیمی از نیروی کار کشور را به شکل واقعی آن و به دور از انتصاب‌های تشریفاتی فراهم کرده‌اند.

همین فرهنگ بوده که کمک کرده تا هر روز تعداد زنان کارآفرینی که موفق به راه‌اندازی کسب‌وکار خود و ارائه خدمات مطلوب به مشتریان شده‌اند و تیم‌های بزرگ را رشد داده و مدیریت کرده‌اند، بیشتر می‌شود. این روند به شکل یک حلقه خودتقویت‌کننده هر روز قوی‌تر می‌شود و به توسعه و تحکیم این باور که زنان توانایی انجام کارهای بزرگ را دارند کمک کرده است. امروز کسب‌وکارهای زیادی را می‌شناسیم که با تبعیت از فرهنگ استارت‌آپی مؤسس

اصلی آنها یک زن است. زنانی که هر یک می‌توانند مدل موفق اثبات‌شده و الگوی زنده‌ای برای نسل‌های بعدی خود باشند و به این ترتیب هر روز دختران جوان بیشتری به خود اجازه خواهند داد که آرزوهای بزرگ داشته باشند.

